



سیدحسین موسویان، در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد:

مخالفان با هدف تخریب برجام، بدترین اتهامات را متوجه نظام جمهوری اسلامی نکنند

گروه دیپلماسی

سه سال و نیم مذاکرات نفس‌گیر در جولای 2015 جای خود را به توافق هسته‌ای داد که با اسم و رسم برجام در ایران و جامعه جهانی شناخته می‌شود. برجام، نخستین توافق رسمی میان ایران و آمریکا و 5 کشور دیگر بود که توانست بحرانی غرب ساخته در خصوص پرونده هسته‌ای ایران را با توسل به دیپلماسی حل و فصل کند. از سوی دیگر با برجام ظرفیت استراتژیک ایران در منطقه آزاد شده و دست ایران برای برخی مانورهای سیاسی و راهبردی باز شد. در ایران نیز عده‌ای برجام را دستاورد و برخی آن را نشانه ضعف ایران می‌دانند و این در حالی است که شاهد صحنه‌ای مشابه در آمریکا نیز میان دو حزب دموکرات و جمهوریخواه و حتی درون دموکرات‌های حاکم هستیم. انتقاد به برجام جرم نیست اما به اسم انتقاد منافع ملی را زیر سوال بردن، امری است نه فقط ناصواب که خطرناک. سیدحسین موسویان، مذاکره‌کننده ارشد ایران در دوران اصلاحات و دیپلمات سابق در گفت‌وگویی با «اعتماد» از اتهام‌هایی می‌گوید که به اسم برجام، به منافع ملی خدشه وارد می‌کند و خدمت‌هایی که به فراخور منافع جناحی به خیانت تعبیر می‌شود و اما و اگرهای رابطه ایران و آمریکا؟ مشروح این گفت‌وگو به شرح زیر است.

برجام نخستین مذاکره مستقیم میان ایران و آمریکا البته در قالب مذاکرات چندجانبه بود. با به ثمر رسیدن برجام، بحث‌ها در خصوص تاثیر مثبت یا منفی آن بر رابطه پرتنش آمریکا بالا گرفت و امروز هم با توجه به انتخابات در آمریکا، اصلی‌ترین سوال در ایران این است که این کانال‌های باز شده میان دو کشور با حضور هیلاری یا دونالد چه تفاوت‌هایی خواهد کرد. این در حالی است که وزیر امور خارجه کشورمان تاکید دارد که باید بپذیریم آمریکا دیگر يك قدر قدرت نیست. در چنین فضای تهدیدها این همه بحث داخلی در ایران در خصوص مذاکره یا رابطه با آمریکا چیست؟

این مساله براي من نیز عجیب است و واقعا درك نمي‌کنم که چرا باید در مورد مذاکره با آمریکا این همه جنجال داخلی داشته باشیم. يك خارجی از بیرون که مسائل ایران را مرور می‌کند، احساس می‌کند که آمریکا مهم‌ترین مساله ایران است و ما به خاطر این موضع دچار بحران داخلی شده‌ایم. معتقدم این جنجال موجب خدشه دار شدن اعتبار بین‌المللی نظام می‌شود در حالی که اساساً ضرورتی ندارد زیرا:

اولاً: طبق قانون اساسی، شخص مقام معظم رهبری تصمیم‌گیرنده نهایی در این مورد هستند و همه هم باید مطیع باشند و هستند.

ثانیاً: قبلاً هرگاه معظم له در هر موردی اجازه دادند، مذاکره مستقیم انجام شد و هرگاه مخالفت فرمودند هم هیچ مذاکره‌ای صورت نگرفت و نباید هم بگیرد.

ثالثاً: ما بعد از انقلاب در مقاطع مختلف به‌طور موردی مذاکره مستقیم با آمریکا داشته‌ایم. در دوران رهبری حضرت امام (ره) و ریاست جمهوری مقام معظم رهبری که در اوج بحران درگیری ایران و آمریکا بودیم، حداقل سه مورد مذاکره مستقیم داشتیم:

مورد اول: مذاکرات مستقیم سطح بالایی ایران و آمریکا که منجر به قرارداد الجزایر شد.

مورد دوم: مذاکرات دکتر افتخار جهرمی، رییس دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری با مقامات رسمی آمریکا در مورد دعاوی ایران و آمریکا در دیوان دآوری دعاوی ایران و ایالات متحده بود برای احقاق حقوق ایران.

مورد سوم: رابرت مک‌فارلین، مشاور امنیت ملی ریگان در یک ماموریت مخفیانه به همراه یک کبک و یک انجیل امضاشده توسط ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به تهران سفر کرد و مذاکراتی هم انجام شد. منتها خبر آن توسط سید مهدی هاشمی که آن روزها به‌ظاهر یک سوپر انقلابی بود به روزنامه الشراخ لبنان داده شد و با افشای آن، این روند متوقف شد. در دوران ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد هم با اذن مقام معظم رهبری سه دور مذاکره مستقیم بین ایران و آمریکا انجام شد:

1- مذاکرات در سطح مدیرکل در عمان.

2- مذاکرات در سطح معاونان وزیر خارجه در عمان.

3- مذاکره مستقیم آقای جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت با ویلیام برنز، معاون وقت وزیر خارجه آمریکا در ژنو. در دوران ریاست‌جمهوری آقای روحانی هم با اذن مقام معظم رهبری مذاکرات هسته‌ای به‌طور مستقیم با آمریکا و به‌طور چندجانبه با حضور آمریکا انجام و بحران هسته‌ای هم حل و فصل شد. اما مذاکره مستقیم ایران و آمریکا در مورد مسائل منطقه از طرف ایران رد شد چون معظم‌له مخالف بودند. آقای ظریف هم در مذاکرات بین‌المللی سوریه با حضور آمریکا شرکت کردند چون مقام معظم رهبری اجازه دادند. لذا ما در مورد مذاکره و رابطه با آمریکا یک تصمیم‌گیرنده داریم و آن هم شخص مقام معظم رهبری است و فرمایش ایشان هم فصل‌الخطاب است. بنابراین دلیلی ندارد که این همه در داخل کشور در این مورد دعوا و تنش وجود داشته باشد.

بحث مذاکرات ایران و آمریکا درخصوص مسائل منطقه‌ای بسیار مطرح است. در چه شرایطی چنین مذاکراتی را ممکن می‌دانید؟

مذاکره می‌تواند مفید یا ممکن باشد اما به سه شرط:

اول اینکه با اذن و رضایت شخص مقام معظم رهبری باشد، دوم اینکه در هیات حاکمه همدلی و همراهی وجود داشته باشد تا موجب شکاف و نفاق داخلی نشود. مذاکراتی که بخواهد موجب شکاف داخلی شود، خسارت محض است. سوم اینکه ریسک نتیجه را همه بپذیرند. در هر مذاکره‌ای هم احتمال شکست هست و هم احتمال موفقیت. هم باید امتیاز داد و هم امتیاز گرفت. نباید پشت مذاکره‌کنندگان را خالی کرد و بدتر از آن، مرتب آنها را مورد هجمه قرار داد. شما رابطه ایران و آمریکا را ممکن می‌دانید؟

رابطه ایران و آمریکا در آینده‌ای نزدیک متصور نیست. من در کتاب خود به شکل مفصل دلایل بی‌اعتمادی مقام معظم رهبری را توضیح داده‌ام تا مردم آمریکا درک کنند که بی‌اعتمادی ایران ریشه و دلیل و منطق دارد. به‌هرحال یکی از دلایل هم این است که عمق بی‌اعتمادی متقابل در هر دو کشور بسیار وسیع است. دلیل دیگر هم اینکه در هر دو کشور اتفاق نظر و اجماعی وجود ندارد و در هر دو کشور هم مخالفان بسیار قدرتمند و سرسختی وجود دارد. دلیل سوم نفوذ خارجی است. در سه دهه گذشته کشورهای مثل اسرائیل و عربستان لابی‌گری‌های وحشتناک گسترده‌ای علیه روابط داشته و تمام ظرفیت خود را برای تقویت دشمنی آمریکا و به تبع آن افزایش تحریم و فشار علیه ایران به کار گرفتند. شما در رسانه‌های جهان اخبار و گزارش‌ها را می‌بینید که چطور بعد از برجام هم این تلاش‌ها را افزایش داده‌اند. بالاخره خیلی از کشورها به دلایل متفاوت خواهان حفظ تنازع و افزایش درگیری ایران و آمریکا هستند.

چه راهبردی را در مورد روابط ایران و آمریکا پیشنهاد می‌کنید؟

من همیشه اعتقاد به کاهش خصومت داشته‌ام و الان هم همین را اعتقاد دارم. سه محور نیز در این خصوص قابل پیشنهاد است:

1- کاهش تنش و خصومت و درگیری در حد امکان،

2- توسعه مناسبات اقتصادی و صنعتی و انرژی،

3- تقویت مناسبات مردمی و علمی و آکادمیک.

معتقدم که در شرایط فعلی کشور نباید به موضوع برقراری رابطه دامن زد. اما نباید به دنبال افزایش درگیری و خصومت هم بود که این همان دام صهیونیست‌ها و اعراب تکفیری است. در کتابم و در صدها مقاله و سخنرانی و مصاحبه برای افکار عمومی آمریکا به‌طور بسیار جامع دلایل اشتباه بودن سیاست‌های آمریکا در مورد تحریم و فشار و جنگ سایبری و روی میز بودن حمله نظامی را توضیح داده‌ام. در این مورد باید روی افکار عمومی آمریکا و در صحنه دیپلماسی عمومی سرمایه‌گذاری کرد تا لابی ضد ایران در آمریکا را بی‌اثر یا کم‌اثر کرد. به هر حال اصل «نه شرقی-نه غربی» اساس سیاست خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی و قانون اساسی است. توسعه روابط ما با بلوک شرق بسیار مهم و حیاتی و استراتژیک است و باید توسعه یابد. اما باید با کشورهای همسایه و عرب منطقه هم روابط حسنه‌ای داشته باشیم و با جهان غرب هم حداقل درگیری و خصومت.

در پایان يك خاطره هم از سمینار سفرا بگویم. در نیمه دهه 90 سمینار سفرا را در مشهد داشتیم. من نخستین کسی بودم که طرح پیمان همکاری استراتژیک ایران- روسیه- هند - چین و پاکستان را ارائه کردم. یکی از مسوولان وقت وزارت خارجه گفت ما که این ملغمه‌ای که آقای موسویان مطرح می‌کند را نفهمیدیم و طرح من را مسخره کرد اما بعد آقای هاشمی‌رفسنجانی که رئیس‌جمهور وقت بود از این ایده حمایت کرد. در همین سمینار سفرا هم طرح کاهش خصومت با امریکا را مطرح کردم. جمعی از همکاران موافق و جمعی مخالف بودند و بحث‌ها بالا کشید و جلسه متشنج شد. چند روز بعد دیدم روزنامه کیهان يك طنزي به عنوان شيخ‌السفراء نوشته و پیشنهاد من را به تمسخر گرفت.

اخیرا هم برخی از رسانه‌ها مصاحبه‌ای از يك استاد دانشگاه منتشر کردند که این استاد مدعی شد که امریکایی‌ها برنامه‌ریزی کردند که براساس 8 نرم ایران را نرمال کنند و برجام طراحی شده که نقشه‌راه این نرم‌ها باشد. ایشان با طرح این ادعا که این هشت نرم را «حلقه نیویورکی» در ایران زمینه‌سازی کردند، به کتاب شما «ایران، امریکا، گذشته شکست خورده، مسیر پیش روی صلح» اشاره و مدعی می‌شود که شما یکی از عناصر برجسته حلقه نیویورکی‌ها هستید و در فصل چهارم کتاب‌تان با عنوان نقشه راه صلح، این نرم‌ها را طی 7 پرونده تئوریزه کرده‌اید که اکنون همان نقشه راه نیز توسط دولت روحانی در حال اجراست. چرا منتقدان برجام دایما به اصطلاح حلقه نیویورکی اشاره می‌کنند؟

تعبیر «حلقه نیویورکی» حدود بیست سال پیش در مقطعی که آقای ظریف در حوزه بین‌الملل وزارت خارجه و در نمایندگی ایران در نیویورک فعالیت داشت، خلق شد. در آن مقطع همکاران حوزه بین‌الملل وزارت خارجه کار با معاهدات بین‌المللی، مثل کنوانسیون شیمیایی یا معاهده منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای، سروکار داشتند. مثل داستان امروز برجام، در آن مقطع هم عده‌ای مخالف عضویت ایران در این کنوانسیون‌ها بودند و همکاران وزارت خارجه در حوزه بین‌الملل که موافق عضویت ایران بودند، را متهم به نفوذی و جاسوسی و وادادگی و... می‌کردند و عنوان «حلقه نیویورکی» را درست کردند که تلقین کنند اینها آدم‌های نفوذی امریکا و غرب هستند.

یعنی صرفا به دلیل مخالفت با عضویت ایران در این معاهدات متهم می‌شدید؟

برای عضویت ایران در معاهدات بین‌المللی باید نماینده ایران آن را امضا کند. سفراي حوزه بین‌المللی در نیویورک یا ژنو یا وین یا معاون بین‌الملل یا حداکثر وزیر خارجه باید در این مورد اقدام کنند. در آن مقطع هم عمدتا آقای ظریف و البرزی و ناصری در این حوزه‌ها فعال بودند و لذا منظور از «حلقه نیویورکی» بیشتر اینها بودند. منتها نماینده ایران در صورتی می‌تواند يك معاهده بین‌المللی را امضا کند که مراجع عالی تصمیم‌گیری کشور قبلا تایید کرده باشند. یادم هست که در اوایل دوره ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد، برخی آقای ظریف را متهم کردند که بدون مجوز معاهده منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای را امضا کرده است. آقای ظریف حتی به من گفت که عده‌ای دنبال بازداشت او بودند. بعد متوجه شدند که این تصمیم شورای عالی امنیت ملی بوده است. کنوانسیون شیمیایی هم تصمیم شورای عالی امنیت ملی بود که به تصویب مجلس هم رسید. همه هم می‌دانند که مصوبات شورای عالی امنیت ملی در صورتی قابل اجراست که به تایید مقام معظم رهبری رسیده باشد.

چطور نام شما به این حلقه اضافه شد؟

من در دوران خدمت در وزارت خارجه در حوزه روابط دوجانبه بودم و هیچگاه در حوزه روابط بین‌الملل مسوولیتی داشتم ضمن اینکه هیچگاه هم به نیویورک مامور خدمت نشدم و سابقه خدمتی نداشتم. منتها بعدها «حلقه نیویورکی» را به همه کسانی که در جهت بهبود روابط ایران و غرب تلاش می‌کردند، تعمیم دادند. سابقه کار من در وزارت خارجه در حوزه اروپا بود و آقای ظریف هم در حوزه امریکا اما چون بنده و آقای ظریف در حوزه سیاست خارجی در جهت کاهش تنش بین ایران و غرب کار می‌کردیم و عمدتا هم دیدگاه مشترک داشتیم، کارت عضویت بنده در «حلقه نیویورکی» را هم صادر کردند. اینکه امریکایی‌ها برنامه‌ریزی کردند که براساس 8 نرم ایران را نرمال کنند و برجام‌ها نقشه‌راه این نرم‌ها هستند را تا چه اندازه درست می‌کنید؟

این يك ادعای بی‌اساس و واقعا خجالت‌آور است زیرا 1- ایران نرمال بود و هست و امریکا نرمال نبود و نیست. لذا اتهام غیرنرمال بودن ایران بی‌ربط است. 2- در مذاکرات هسته‌ای ایران می‌خواست رفتار و سیاست امریکا در مورد پذیرش حقوق هسته‌ای مشروع ایران را نرمال کند که کرد. این امریکا بود که حق مشروع ایران در مورد غنی‌سازی و آب سنگین و تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای براساس نرم‌های بین‌المللی را نمی‌پذیرفت. این يك رفتار غیرنرمال بود. در برجام ایران توانست حق غنی‌سازی و آب سنگین و تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای را به امریکا بقبولاند. این امریکا بود که تحریم‌های ظالمانه به بهانه هسته‌ای را به اجماع و تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسانده بود. این رفتار و سیاست امریکا غیرنرمال بود. در برجام ایران توانست رفع تحریم‌های هسته‌ای را نیز به امریکا بقبولاند. 3- این ادعا که امریکایی‌ها برنامه‌ریزی کردند که براساس 8 نرم ایران را نرمال کنند، برجام‌ها نقشه‌راه این نرم‌ها هستند و طرح مقدماتی تسلیم ایران است. بسیار شوک‌آور است چون

برجام با تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی و شخص مقام معظم رهبری پذیرفته و اجرا شد. برخی عزیزان داخلی مخالف برجام باید مراقب باشند که برای لجنمال کردن برجام، بدترین اتهامات را متوجه نظام جمهوری اسلامی نکنند. 4- قبل و بعد از برجام کاملا روشن بود و هست که صهیونیسم بین‌الملل و اعراب تکفیری به رهبری عربستان در راس مخالفین برجام بوده و هستند و با تمام ظرفیت در جهت به بن بست کشاندن برجام کار کردند و هنوز هم ادامه می‌دهند. اگر برجام طرح مقدماتی تسلیم ایران بود که سعودی‌ها و صهیونیست‌ها باید جشن می‌گرفتند، نه اینکه مثل امروز عزا بگیرند و این همه تلاش برای تخریب آن بکنند. 5- همه دشمنان ایران به اجماع می‌گویند با برجام، ایران هسته‌ای شد چون دنیا غنی‌سازی و آب‌سنگین و سبک در ایران را پذیرفت. اما متأسفانه برخی داخلی‌ها مدعی‌اند که می‌خواستند که قدم اول این بود که ایران بپذیرد هسته‌ای نباشد که همان برجام است. اگر منظورشان این است که با برجام، ایران پذیرفت که بمب هسته‌ای نداشته باشد، درست است اما موضع ثابت نظام و تعهد بین‌المللی ایران و فتوای مقام معظم رهبری این بود که ایران بمب هسته‌ای نداشته باشد. یعنی ما بدون برجام هم قرار نبود بمب هسته‌ای داشته باشیم. واقعیت این است که برجام از افتخارات تاریخ دیپلماسی نظام جمهوری اسلامی در دوران رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است زیرا نظام توانست هم ساختار ظالمانه و گسترده‌ترین تحریم‌ها را فروپاشد و هم حق غنی‌سازی و آب‌سنگین و تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را به تصویب شورای امنیت سازمان ملل برساند.

ادعای بعد اینکه نرم دوم این بود که ایران بپذیرد از تروریسم حمایت نکند که همان برجام دو است که با پذیرش «FATF» انجام شد و این هم یکی از محورهای است که کتاب شما تئوریزه کرده است. اجازه دهید ابتدا یک نمونه تحریف را برای‌تان توضیح دهم تا هدف اصلی این ادعاها برای‌تان روشن شود. چندی قبل یکی از دوستان لینک یک گزارش مستندی را فرستاد که متأسفانه از سیمای جمهوری اسلامی پخش شده بود. همه هدف این مستند این بود که غیرمستقیم القا کند که برجام یک پروژه آمریکایی است برای تغییر رژیم و تجزیه ایران. حلقه نیویورکی هم عامل این پروژه است. لذا نوبت تیز حمله متوجه آقای ظریف و مذاکره‌کنندگان هسته‌ای بود بدون اینکه نام آنها را ذکر کنند. در این مسیر بدون ذکر نام، انتقادهایی هم به من وارد کرده بودند. اما موضوعی که در مستند در مورد من مطرح شد، مربوط به یک کنفرانسی بود که دو سال قبل در دانشگاه پرینستون برگزار شده بود. خانم رابین رایت، نویسنده و از مشاهیر ژورنالیست‌های جهان جزو سخنرانان این کنفرانس بود. من هم برای شنیدن مباحث در بین جمعیت حضور داشتم. مستند سیمای یک جمله از رابین رایت را پخش کرد که می‌گوید من این مطلب را از آقای موسویان آموخته‌ام. تحلیلگر گزارش مستند هم بلافاصله بدون ذکر نام بنده می‌گوید که ببینید ایشان می‌گویند اطلاعاتش را از این فردی گرفته که قبلاً عضو تیم مذاکره‌کننده بوده و خدا می‌داند که این فرد چه اطلاعاتی دیگری به وی داده است! من بعد از دیدن این گزارش مستند رفتم و کل کنفرانس را مجدداً از یوتیوب دقیقاً گوش کردم. دیدم خانم رابین رایت در ابتدای صحبت‌هایش می‌گوید که در این سالن آقای موسویان در بین جمعیت نشست که از همه ما در مورد این موضوع با صلاحیت‌تر است. بعد در قسمتی از صحبت‌هایش خطاب به حضار می‌گوید که من به این نتیجه رسیده‌ام که ایران دنبال بمب هسته‌ای نیست و برنامه هسته‌ای برای ایران بخشی از غرور ملی است و اینکه تکنولوژی هسته‌ای نقش بسزایی در پیشرفت تکنولوژی ایران دارد و من اینها را از آقای موسویان آموخته‌ام. می‌بینید که خانم رابین رایت از برجسته‌ترین نویسندگان و ژورنالیست‌های جهان می‌گوید که آقای موسویان من را قانع کرده که ایران دنبال بمب هسته‌ای نیست. کل این برنامه هم در یوتیوب در دسترس همه هست. من در دوران اقامت خود سعی کردم افکار عمومی آمریکا را قانع کنم که ایران دنبال بمب نیست و تحریم و جنگ علیه ایران هم اشتباه است و آمریکا باید حق هسته‌ای ایران را بپذیرد. حالا ببینید که در سیمای خودمان واقعیت اظهارات افتخارآمیز خانم رابین رایت چگونه سانسور و تحریف می‌شود و سازندگان چنین گزارش‌هایی هم چگونه سعی می‌کنند خدمت را خیانت جلوه دهند.

درخصوص بحث حمایت از تروریسم که ادعا شده در کتاب شما به آن اشاره شده است، توضیح می‌دهم؟ در مورد کتاب باید بگویم که در سال 91 در دوران ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد نوشتن آن آغاز شد و در سال 92 به ناشر داده شد و مراحل نشر طول کشید و در سال 93 نسخه انگلیسی آن همزمان در آمریکا و اروپا و هند منتشر شد یعنی یک سال قبل از برجام. بعد یک ناشر ایرانی ترجمه کرد و مراحل اخذ مجوز را هم طی کرد و مقداری هم کتاب را به‌روز کرد و در سال 94 در ایران منتشر شد که بعد از برجام بود.

آیا در این کتاب به موضوع پذیرش «اف‌آی‌تی‌اف» آنگونه که ادعا می‌شود در کتاب شما تئوریزه شده اشاره کرده‌اید؟ نخست باید بگویم که در نسخه انگلیسی و فارسی کتاب من ابتدا موضوع قرارداد «اف‌آی‌تی‌اف» مطرح نشده است. مساله دوم این است که اف‌آی‌تی‌اف یک قرارداد بین‌المللی برای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم است. لایحه مبارزه با پولشویی و منع حمایت از تروریسم با امضای آقای احمدی‌نژاد به عنوان رییس دولت دهم سال 89 تقدیم مجلس هشتم شد و

بهمن 90 نیز این لایحه در مجلس هشتم تصویب شد. اسفند سال 90 شورای نگهبان اعلام کرد که این لایحه ماهیت قضایی دارد و باید از قوه قضاییه به مجلس بیاید. تیر سال 94 مجلس نهم این لایحه را با انجام اصلاحاتی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان مجدداً تصویب کرد اما مرداد همان سال باز هم شورای نگهبان این مصوبه را رد کرد. در نهایت لایحه در جلسه بهمن 94 به تصویب مجلس رسید و اسفند 94 هم شورای نگهبان بر سومین مصوبه مجلس درباره این لایحه مهر تایید زد. نکته سوم این است که «افآی تی اف» در شورای عالی امنیت ملی تایید شده است. اما بنده در فصل هفتم کتابم مفصل به تمام اتهامات تروریستی امریکا پاسخ داده‌ام و نهایتاً هم در فصل هشتم در «نقشه راه» نیز قطعنامه 1373 شورای امنیت سازمان ملل را به عنوان محور رفع اختلافات ایران و غرب معرفی کرده‌ام. این قطعنامه در سال 2001 یعنی 14 سال قبل از برجام به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید و ایران هم پذیرفت؛ لذا پیشنهاد من نه ربطی به «افآی تی اف» دارد و نه ربطی به برجام.

یک سال از عمر برجام می‌گذرد و برخی مخالفان توافق هسته‌ای که مخالفت‌هایشان نتوانست مانع از به نتیجه رسیدن مذاکرات شود از برجام‌های دیگر سخن می‌گویند و مثلاً ادعا می‌کنند که در سایه برجام‌های دیگر ایران باید در منطقه نفوذ عربستان را به رسمیت بشناسد یا به دنبال تغییر هندسی سیاسی منطقه نباشد. این تعبیر تاجه اندازه قابل توجه است؟ اتفاقاً یکی از مهم‌ترین ایرادهای مخالفان جهانی برجام به برجام این است که موجب رفع تحریم‌های ایران شده، پنانسیل ایران را آزاد کرده تا قدرت بلامنازع منطقه شود. فراموش نکنیم که روسیه بعد از برجام سیستم موشکی اس-300 را به ایران داد. زمانی که من در شورای امنیت مسوول کمیته سیاست خارجی بودم همراه دکتر روحانی در سفر مسکو بودم. دکتر روحانی در ملاقات با پوتین از وی خواست که سیستم موشکی اس-300 را به ایران بدهند. پوتین هم موافقت کرد. خدا می‌داند که ما چقدر از این توافق راضی بودیم و بعدها هم ما مرتب پیگیری می‌کردیم که بخش نظامی کشور زودتر این توافق را اجرا کند. هیچ تردیدی نیست که برجام بر قدرت استراتژیک منطقه‌ای ایران افزوده است. اینکه بعد از برجام عربستان هم کنترل خود را از دست داد و دیوانه وار به یمن حمله نظامی کرد و از تروپست‌ها حمایت می‌کند، برای مقابله با افزایش قدرت منطقه‌ای ایران است. منتهی سیاست عربستان روز به روز موجب تضعیف بیشترشان شده و در گرداب یمن فرو رفته‌اند. تا حالا بیش از 100 میلیارد دلار خرج حمله به یمن کرده‌اند و همچنان ناکامند. ایران در پی آن است که به خاطر قدرت، تاریخ و تمدنش یک قدرت منطقه‌ای باشد و به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مورد احترام باشد و این هدف کماکان موتور محرک سیاست خارجی ایران است.

فکر می‌کنید راهکار حل گره‌های موجود در رابطه با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و در راس آنها عربستان چیست؟ من در نیمه دهه 90 به عنوان نماینده رییس‌جمهور وقت، آقای هاشمی‌رفسنجانی، با امیرعبدالله، ولیعهد وقت عربستان، در جده برای حل مشکلات روابط مذاکره داشتم. بعد از توافق در مورد مسائل دوجانبه، طرح تشکیل همکاری‌های منطقه‌ای را مطرح کردم که به من گفت امریکا اجازه چنین همکاری با شما را به ما نمی‌دهد. در مورد منطقه خلیج فارس هم پیشنهاد من این است که برای رفع کدورت‌های بین ایران و کشورهای عربی، سیستم همکاری و امنیت جمعی بین ایران و شش کشور عرب شورای همکاری‌های خلیج فارس و عراق به وجود آید. در حقیقت این تز نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از پایان جنگ تحمیلی است که در طی 26 سال آن را مطرح کرده و عربستان و امریکا نپذیرفتند.

فدریکا موگرنی اخیراً به ایران رفت و آمد داشته است. مخالفین برجام مدعی شده‌اند که این رفت و آمدها برای اجرای خاموش برجام چهارم است و موضوعات در دستور کار هم انتخابات آزاد با نظارت غرب، آزادی عمل فرقه‌های ظالمه... است. کارشناس اصولگرایی که این 8 برجام را لیست کرده مدعی است که شما در فصل چهارم کتاب تان با عنوان نقشه راه صلح، این نرم‌ها را طی 7 پرونده تئوریزه کرده‌اید و مورد چهارم هم همین دیالوگ حقوق بشر است که آقای ظریف و موگرنی دنبال می‌کنند.

از نظر من بزرگان اصولگرا موافق برجام هستند؛ لذا نباید نظر عده‌ای تندرو را به جناح اصولگرا نسبت داد. آقای لاریجانی رییس مجلس با قدرت از برجام حمایت کرد. مهندس باهنر نایب‌رییس سابق مجلس به صراحت گفت که ما در برجام 7 گل زدیم و سه گل خوردیم. یعنی برجام پیروزی پرگل ایران بود. آقای ناطق‌نوری، رییس دفتر بازرسی مقام معظم رهبری هم از برجام حمایت کرد. برجام بدون حمایت بزرگان اصولگرای کشور به نتیجه نمی‌رسید. مساله دوم این است که نقشه راهی که من در کتابم ارائه کرده‌ام در فصل 8 کتاب است. این آقای که گفته فلانی در فصل 4 کتاب نقشه راه ارائه کرده، به نظر می‌رسد که اساساً کتاب را نخوانده است.

نگاه شما به مذاکرات حقوق بشری میان ایران و اروپا که این هفته جرقه‌های آن در قالب مذاکرات سطح بالایی ایران و اروپا زده می‌شود، چیست؟

دیالوگ حقوق بشری ایران و غرب از اوایل سال 70 در دستور کار نظام قرار گرفت و عملیاتی شد و هیچ ربطی هم به برجام

که نیم قرن بعد امضا شده نداشته و ندارد. زمانی که من در آلمان سفیر بودم حداقل 6 سمینار مشترک ایران و اروپا در مورد حقوق بشر در اسلام و مسیحیت برگزار کردیم. بسیاری از نمایندگی‌های ما در کشورهای غربی هم همین کار را کردند. دکتر جواد لاریجانی که هم اصولگراست و هم امروز خود مسوول کار حقوق بشر در قوه قضاییه هم در چند سفر به آلمان، مفصل اروپایی‌ها را به این امر تشویق و خود هم در چند سمینار شرکت کرد. حتی در آن موقع با تایید نظام، آقای گالیندوپل به ایران دعوت شد و با حضرت آیت‌الله یزدی هم دیدار کرد و آقای یزدی هم اجازه بازدید از زندان اوین به ایشان داد. در دیداری که با آیت‌الله یزدی داشتیم، ایشان از سفر گالیندوپل ابراز رضایت کرد. همین سیاست نظام هم باعث شد که بعد از چند سال گفت‌وگو، بالاخره ایران از دستور کار شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شد. امروز هم سیاست نظام همان سیاستی است که در 25 سال گذشته دنبال کرده است؛ لذا دکتر جواد لاریجانی همین مسیر را دنبال می‌کند. دلیل هم این است که هم اسلام و هم جمهوری اسلامی در مورد حقوق بشر حرف حساب دارد و باید معیارهای حقوق بشری اسلام را به جهان معرفی کنیم. اما اینکه ادعا شده که دستور کار گفت‌وگوهای حقوق بشری در دور جدید، موضوعات انتخابات آزاد با نظارت غرب، آزادی عمل فرقه‌های ضاله و غیره است را بعید می‌دانم که این ادعا درست باشد چون هیچ ایرانی و مسلمان غیرتمندی اجازه نخواهد داد که مشروعیت انتخابات در ایران منوط به نظارت غرب باشد.

در طول دوران بعد از انقلاب تخاصمات رژیم اسراییل و ایران بر مناسبات ایران و غرب سایه انداخته است. چگونه می‌توان سایه موضوع اسراییل را از روابط ایران و غرب جدا کرد؟

شاید هیچگاه نتوان مانع از تاثیر منفی تخاصمات اسراییل و ایران بر روابط ایران و غرب شد. منتها می‌توان از شدت آن کاست یا بهانه به دست دشمن برای افزایش آن نداد. زمانی که جنرال کنفرانس هولوکاست و موضوع نفي هولوکاست در ایران راه افتاد، صهیونیست‌ها شاد شدند زیرا با این بهانه توانستند فشارها و تحریم‌های غرب علیه ایران و همچنین سال‌ها موضوع ایران‌هراسی را افزایش دهند. به نظر من موضع مقام معظم رهبری که در اجلاس سران غیرمتعهدها در تهران اعلام فرمودند، بهترین موضع است و آن اینکه آوارگان فلسطینی برگردند و انتخابات آزاد با حضور مسلمانان و فلسطینی‌ها و یهودی‌ها برگزار شود و جمهوری اسلامی هم به نتیجه رای احترام بگذارد. اصل حرف من هم در مورد مساله فلسطین این است که ایران بر این باور است که نه فلسطینی‌ها و نه اعراب و مسلمانان کوچک‌ترین مسوولیتی در قبال کشتار جمعی یهودیان، توسط رژیم بی‌رحم نازی آلمان به قتل رسیده‌اند، نداشته‌اند. ایران معتقد است که قربانیان یا وارثان آن جنایات باید جبران آن خسارات را از مسوولان مرتکب این جنایت‌ها در اروپا دریافت کنند. به اعتقاد ایران این ناعادلانه است که میلیون‌ها انسان از يك ملیت دیگر در قاره‌ای دیگر از خانه خود آواره و اموال و زندگی آنها جهت جبران جنایت نازی‌ها مصادره شود. ایران درصدد جایگزین کردن صدای خود به جای مردم فلسطین نیست؛ لذا به هرگونه راه‌حلی که آزادانه توسط اکثریت فلسطینی‌ها انتخاب شود احترام می‌گذارد. در هر حال جامعه جهانی باید حمایت مشروع ایران از فلسطینی‌ها از جمله کمک‌های انسان‌دوستانه حمایت تحصیلی، بهداشتی، زیر ساخت‌های اجتماعی و توسعه اساسی اقتصادی را به رسمیت بشناسد.

http://etemadnewspaper.ir/?News_Id=59297

